



دروس مربوط به آموزشهای حقوقی

درس اول: احضار، جلب و بازجویی

درس دوم: تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم

تهیه شده توسط :

انجمن حقوقی آذ یاسا

www.azyasa.wordpress.com
azyasa@gmail.com

(استفاده از مطالب با ذکر منبع – آذ یاسا – مجاز می باشد)

توضیح:

دروس آموزشی که در روی پیش شما عزیزان قرار دارد در اوایل سالهای 1380 توسط انجمن آذیاسا تدوین، تهیه و در اینترنت منتشر گردیده بود. طی فرآیند زمانی به تکمیل این دروس پرداخته شد. البته با توجه به فعالیت دوباره این انجمن، سعی بر این خواهد شد تا با ویژه نامه های جدید، هر چه بیشتر از پیش فعالیتهای خویش را ادامه دهیم. شما عزیزان نیز با پیشنهادات و انتقادات خویش در هرچه پربار شدن فعالیتهایمان ما را یاری نمایید.

با تشکر

انجمن حقوقی آذیاسا

شهریور 1390

درس اول: احضار، جلب و بازجویی

با توجه به اینکه از سالیان گذشته تا به امروز (علی الخصوص بعد از وقایع اخیر) عده زیادی از ملت آذربایجان بدون طی مراحل قانونی و بصورت غیر قانونی احضار و دستگیر شده اند، آذ یاسا درس اول را به بحث احضار و بازجویی اختصاص داده است. در این درس مواد قانونی لازم و نظرات مختلف راجع به این مبحث مورد استفاده خواهد گرفت. آذ یاسا منتظر تجربیات همه عزیزان در مورد هر مبحث می باشد. تا بوسیله انعکاس آنها بتواند گامی در جهت آگاهی ملت ستم دیده مان برداشته باشد. منتظر نظرات، پیشنهادات و سوالات شما عزیزان خواهیم بود.

موادی از قانون آیین دادرسی کیفری در مورد احضار، جلب و بازجویی

موارد مهم بصورت پررنگ مشخص شده اند و توضیحات اضافی (برای آگاهی و آموزش) در پایان مواد مربوطه قید شده است.

ماده 112 – احضار متهم به وسیله احضارنامه به عمل می آید. احضار نامه در دو نسخه فرستاده می شود، یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضاء کرده به مامور احضار رد می کند.

ماده 113 – در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود.

تبصره – در جرائمی که مصلحت اقتضاء نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.

ماده 114 – هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد، مضمون احضار نامه در حضور دو نفر شاهد ابلاغ می شود. ترتیبات ابلاغ احضارنامه به گونه مقرر در فصل مربوط به آئین دادرسی مدنی خواهد بود.

ماده 115 – هرگاه در امر جزائی ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نشود و به طریق دیگری هم ابلاغ احضاریه ممکن نگردد با تعیین وقت رسیدگی، متهم یک نوبت وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا محلی احضار و در صورت عدم حضور، قاضی رسیدگی و با لحاظ مواد (217) و (218) این قانون اظهار عقیده می نماید تاریخ نشر آگهی تا روز دادرسی کمتر از یک ماه نباید باشد.

ماده 116 – متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام نماید. جهات زیر عذر موجه محسوب می شود -

1 – نرسیدن احضارنامه یا دیررسیدن به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود.

2- مرضی که مانع از حرکت است.

3- فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم .

4- ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق وامثال آن .

5- عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری مانند طغیان رودخانه و امراض مسری ، از قبیل وبا و طاعون .

6- در توقیف و بدن .

ماده 117 - اشخاصی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده باشند ، به دستور قاضی جلب می شوند.

ماده 118 - قاضی می تواند در موارد زیر بدون اینکه بدوا " احضاریه فرستاده باشد ، دستور جلب متهم را صادر نماید -

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص ، اعدام و قطع عضو می باشد.

ب - متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قاضی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد.

ماده 119 - جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می آید. برگ جلب که مضمونش ، مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ شود.

ماده 120 - مامور جلب پس از ابلاغ برگ جلب متهم را دعوت می نماید که با او نزد قاضی حاضر شود چنانچه متهم امتناع نماید او را جلب و تحت الحفظ به مرجع قضایی تسلیم خواهد نمود و در صورت نیاز می تواند از سایر ماموران استمداد نماید. کسانی که در امتناع متهم به او کمک نمایند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.

ماده 121 - جلب متهم به استثنای موارد فوری ، باید در روز به عمل آید.

ماده 122 - در صورتی که متهم غایب باشد برگ جلب در اختیار ضابطین دادگستری قرار می گیرد تا هر جا متهم را یافتند جلب و تحویل مقام قضایی نمایند.

تبصره - در صورت ضرورت قاضی میتواند برگ جلب را در اختیار شاکی قرار دهد تا به معرفی او ، ضابطین متهم را جلب و تحویل مرجع قضایی نمایند.

ماده 123 - متهم از هنگام ابلاغ برگ جلب تا حضور نزد قاضی تحت نظر و محافظت خواهد بود.

تبصره - مامورین مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله تحویل مقام قضائی دهند و در صورتی می توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تباہی و خوف فرار و امحاء آثار جرم باشد و در هر صورت حق نگهداری وی را بیش از (24) ساعت بدون اجازه مقام قضائی ندارند.

ماده 124 – قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند ، مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد.

ماده 125 – هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری نتواند نزد قاضی حاضر شود در صورت اهمیت و فوری بودن امر جزایی قاضی نزد او رفته و بازجویی لازم را به عمل می آورد و یا منتظر رفع مانع می شود.

ماده 126 – در مواردی که مصلحت اقتضاء نماید ، قاضی می تواند تحقیقات را شخصا" با حضور در محل افرادی که تحقیق از آنها لازم است انجام دهد.

ماده 127 – قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف (24) ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر اینصورت بازداشت غیرقانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد .

ماده 128 – متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورتجلسه منعکس می شود.

تبصره – در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. (ابقا شده در 1382/3/17)

ماده 129 – قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم ، اسم پدر ، شهرت ، فامیل ، سن ، شغل ، عیال ، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس (شهر ، بخش دهستان ، روستا ، خیابان ، کوچه و شماره منزل) او را دقیقاً" سؤال نموده به نحوی که ابلاغ احضاریه وسایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می کند آنگاه شروع به تحقیق می نماید.

سئوالات باید مفید و روشن باشد. سئوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم ازدادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می شود.

تبصره 1 – قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می کند ، محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند ، در غیر اینصورت احضاریه ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل اقامت به منظور تاخیر و طفره و تعلق به گونه ای که ابلاغ اوراق متعسر باشد پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی است

که رسیدگی می نماید. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است. تبصره 2 - تخلف مامورین ابلاغ در انجام وظایف خود و یا گزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی خواهد بود.

ماده 130 - از متهمین جز در مورد مواجهه ، به صورت انفرادی بازجویی به عمل می آید و نباید با همدیگر وارد در گفتگو ومواضعه شوند. رعایت موازین شرعی در مورد متهمین زن ضروری می باشد.

ماده 131 - پاسخ سئوالات همان طوری که بیان می شود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمین با سواد می توانند شخصا" پاسخ سئوالات را بنویسند.

توضیحات لازم در مورد مواد ذکر شده:

- در مورد تبصره ماده 13 باید گفت که مرجع تشخیص مصلحت، قاضی است، که جز به تحقق عدالت و احقاق حقوق مردم فکر نمی کند.
- این در حالی است که تبعیت کورکورانه قضات دادگستری از دستورات مراجعی مثل وزارت اطلاعات بیانگر این است که این مراجع به جای قضات مصلحتها را تعیین می کنند و این امر کاملا در تناقض با حقوق شهروندی می باشد.
- با توجه به مواد بالا ما می بینیم که اکثر فعالین آذربایجانی بدون احضارنامه جلب می شوند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که نباید بدون دریافت احضارنامه ای کسی خود را به مراجع مختلف (حتی مراجع امنیتی) معرفی کند. زیرا احضار اشخاص (حتی متهمین) بدون احضارنامه فاقد نص و ضمانت اجرای قانونی می باشد. و در نهایت اگر شخصی بدون احضارنامه به مراجع مربوط مراجعه نکرد و به دنبال آن مراجع مذکور به جلب و یا دستگیری وی مبادرت ورزیدند این جلب و دستگیری غیرقانونی می باشد و کسانی که بدین طریق دستگیر می شوند همواره باید این نکته را به یاد داشته باشند که این دستگیر کردن و جلب، غیر قانونی می باشد و می توانند برای حفظ حقوق خود از همکاری و عمل کردن به دستورات مراجع مذکور در مراحل مختلف (تحقیقات، بازجویی و...) خودداری نمایند. تجربه افراد مختلف نشان داده است که کسانی که بدون وجود اتهامی بصورت غیرقانونی دستگیر و یا جلب می شوند

همواره از طرف مرجع دستگیرشونده بطرق مختلف مورد فشار قرار می گیرند و متأسفانه بر اثر این فشار غیرقانونی ما با متهمی روبرو می شویم که تاوان جرم نکرده خود را باید بدهد. چرا که این مراجع خود می دانند که جلب و دستگیر کردن اشخاص باید قانونی باشد لذا به طرخ اتهاماتی علیه متهم می زنند که در قوانین مختلف نصی در مورد جرم بودن آنها وجود ندارد و بدین طریق با فشارهای روانی خود بر شخص دستگیر شده - و در برخی موارد با استفاده از ناآگاهی شخص دستگیر شده از حقوق خود - خواستار همکاری فرد دستگیر شده می شوند. پس ذکر این نکته لازم است که ضابطین دادگستری نمی توانند متهم را در بازداشت نگه دارند و چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت 24 ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت جهت اتخاذ تصمیم قضایی به مرجع قضایی تحویل دهند. و بر اساس نظریه مشورتی 355 - 64/4/7 مامورین وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی شوند و با توجه به قانون تشکیل وزارت اطلاعات مصوب 1362 نمی توان جلب و دستگیری و یا سایر اقدامات قضایی مصوب سال 1362 را از وزارت اطلاعات تقاضا کرد. پس کسانی که بطرق غیرقانونی دستگیر می شوند می توانند برای حفظ حقوق خود از هرگونه همکاری با مراجع مذکور خودداری نمایند. و همواره متذکر حقوق قانونی خویش در مراجع مذکور بشوند.

- **اصل 32 قانون اساسی** می گوید: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» مدلول این اصل در مواد 24 و 129 قانون آیین دادرسی کیفری نیز آمده است.

- **اصل 35 قانون اساسی** می گوید: «در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

- در ماده 129 آیین دادرسی کیفری با توجه به مقررات جزایی تفهیم اتهام به کسی می شود که مرتکب جرم شده باشد. این در حالی است که فعالین آذربایجانی در بسیاری مواقع حتی بدون اتهام به صورت غیر قانونی و دستگیر می شوند و در بحث تفهیم اتهام نیز یا بدون تفهیم اتهام محاکمه می شوند و یا با اتهاماتی محاکمه می شوند که فاقد نص قانونی می باشند.

انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوبه 70/7/11 مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده واحده - اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاههایی که به موجب قانون تشکیل می شوند مکلف به پذیرش وکیل می باشند.

تبصره 1 - اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند. دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را بعنوان وکیل مشخص می کند تا از میان آنان به انتخاب متهم وکیل انتخاب گردد.

تبصره 2 - هر گاه به تشخیص دیوان عالی کشور محکمه ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه 3 و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد.

تبصره 3 - وکیل در موضع دفاع، از احترام و تامينات شاغلین شغل قضا برخوردار می باشد.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه 67/9/20 - 7/6743

احضار متهمی که در حوزه قضایی دیگری قرار دارد بلا مانع است لیکن جلب متهم و اقداماتی از این قبیل وسیله بازپرس دادسرای غیر از محل اقامت متهم موجه نمیباشد و بازپرس یا مرجع تحقیق میبایست با اعطای نیابت قضایی با قید موارد اقدام از بازپرس یا مرجع قضایی صالح محل اقامت متهم اقدام قضایی مورد نظر را درخواست کند.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه 65/12/12-7/7637

... احضار متهم از طریق تلفن یا پیام شفاهی احضار قانونی به شمار نمی آید و فاقد ضمانت اجراست.

نظریه مشورتی 65/4/2-7/6910

احضار تلفنی شکات برای اخذ توضیح در زمینه شکایت منع قانونی ندارد اما در مورد متهم و مطلع تنظیم و ارسال برگ احضاریه ضروری است و با توجه به اهمیت احضار که امر جزایی که نتیجه آن در صورت عدم حضور جلب خواهد بود اقتضاء دارد که قاضی (بازپرس یا دادیار یا دادستان) احضاریه های مذکور را امضا نمایند.

نظریه قضات دادگستری استان تهران نظریه اکثریت 79/2/1

به نظر میرسد که قید "مصلحت" در تبصره ماده 113 ق.آ.د.ع.ا.ک مصوب 1378 مطلق است که هم ناظر به رعایت خصوصیات شخصی متهم و شئون وی می باشد و هم وضعیت خاص و نوع جرم و مسائل خارجی مانند جلوگیری از مواضعه، تبانی و امحاء دلایل و آثار جرم را در بر می گیرد مرجع تشخیص مصلحت قاضی است که جز به تحقق عدالت و احقاق حقیق مردم فکر نمی کند.

نظریه مشورتی 80/10/10-4/9448

هم طبق ماده 115 ق.آ.د.ک 1378 و هم طبق ماده 180 این قانون در صورتی که ابلاغ احضاریه به متهم ممکن نگردد و امکان جلبش هم نباشد وقت رسیدگی تعیین و متهم از طریق یکی از روزنامه های کثیر الانتشار طبق مقررات این ماده به رسیدگی دعوت می شود ابلاغ به صورت فوق قانونی تلقی می گردد اما اگر منظور دادگاه از ابلاغ قانونی ابلاغ به بستگان و خادمین در نبود متهم باشد این ابلاغ مشمول مقررات مواد 115 و 180 قانون مذکور نبوده از موردی نیز نمی باشد که متهم شناخته نشده و احضار و جلبش نیز ممکن باشد زیرا مفهوم ابلاغ احضاریه به بستگان و خادمین وجود متهم در محل است و باید به کمک نیرو های انتظامی احضار و جلب شود. در این صورت نیازی به انتشار آگهی نیست.

نظریه مشورتی (مندرج در مجله هفته دادگستری ش 38)

در صورتی که از طرف مراجع قضایی برگ احضاریه یا احضاریه از طریق اداره زندان برای ابلاغ زندانی ارسال شده باشد و زندانی مایل به حضور در مرجعی که او را اخطار به احضار نموده است نباشد اداره زندان نمی تواند زندانی را به حضور اجبار نموده و او را جبرا اعزام دارد. زیرا حسب مقررات و قوانین جاری شخص اخطار یا احضار شده را قبل از صدور برگ جلب نمیتوان اجبارا اعزام و احضار نموده ولی اگر از طرف مراجع ذیصلاح صراحتا دستور جلب و اعزام زندانی داده شده باشد و او از رفتن خودداری نماید در این صورت وظیفه اداره زندان است که در اجرای دستور مقام قانونی زندانی را بر خلاف اصول بالاجبار اعزام نماید.

رای دادگاه عالی انتظامی قضات 109 - 79/3/25 شعبه 3

اقدام رئیس دادگاه عمومی از جهت عدم تفهیم موضوع و دلایل اتهام به متهم قبل از صدور قرار وثیقه درباره او از مقررات ماده 125 ق.آ.د.ک حاکم در قضیه تخلف نموده و در خصوص قبول وثیقه قرار قبولی صادر نکرده (برخلاف ماده 133 قانون مرقوم) بنابراین با انطباق عملش بر صدر ماده 20 نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر خمس حقوق ماهیانه به مدت 2 ماه محکوم می نماید.

رای دادگاه عالی انتظامی قضات 76 - 80/3/26 شعبه 3

تخلف رئیس دادگاه عمومی از مفاد ماده 129 قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در خصوص عدم تفهیم صریح دلایل اتهامات به متهم محرز است. دفاع او بر اینکه متهم و وکیلش آشنا به موارد اتهام و دلایل آن بوده اند موثر در مقام نیست. ...

حقوق متهم در دوره بازداشت و بازجویی¹

ساختار ویژه قضایی ایران و جایگاه قاضی که عمدتاً در نقش نماینده حکومت در اجرای قانون ایفای نقش می کند فرآیند بازجویی یا تحقیقات مقدماتی را از باب تشبیه و استعاره دوئل تلقی می نماید. دوئل یک حکومت با یک فرد زیرا فرآیند شکل گیری و خاتمه کار یک پرونده که منجر به بازداشت و زندان شود از این قرار است. احضار - بازداشت - بازجویی - محاکمه - زندان. این فرآیند همواره دو طرف دارد. یک سوی آن حکومت است که دارای قدرت و قوای قهریه است و یک سوی آن فردی (و گاه افرادی) فاقد آن قدرت. مهمترین و حساس ترین مرحله دادرسی، مرحله بازجویی است که گذرگاهی تنگ و دشوار بوده و اساس هر پرونده ای در این مرحله شکل می گیرد.

بازداشت یا زندان

تحت بازداشت بودن یعنی اینکه توسط پلیس دستگیر شده اید و به جرمی متهم خواهید شد. بازداشت به این معنی است که پلیس کنترل حرکات شما را بدست گرفته و میتواند به صورت فیزیکی یه با امر کردن، شما را اطاعت خود در بیاورد.

بازجویی

پیچیده ترین و حساس ترین مرحله دادرسی، مرحله میانی یعنی بازجویی یا تحقیق و بازپرسی است. اینجا نقطه ای است که روانشناسی و حقوق به شدت درهم می آمیزند. برخلاف مراحل دیگری که بیشتر بار حقوقی دارد، این مرحله عمدتاً بار روانی دارد. نمی توان بحث بازجویی و حقوق متهم را بدون پیوند عمیق با جنبه های روانی مورد بحث قرار داد بلکه اساساً فلسفه حقوق متهم در مرحله بازجویی، جنبه های روانشناختی دارد. متهمان در این مرحله دچار مشکلاتی نظیر استرس های روانی و بیم از عواقب پرونده، فراموشی، تلقین پذیری، تناقض گویی و... می شوند. صدها فیلم تلویزیونی و سینمایی در جهان ساخته شده که این مشکلات را به خوبی به تصویر کشیده اند و نشان می دهند که در موارد فراوانی یک متهم پس از محکومیت حبس به دلایلی تبرئه شده و اسناد و استشهادات بازجویی و محاکمه مخدوش شده اند. در مرحله بازجویی، نابرابری موقعیت روانی بازجو متهم و همچنین این نکته مهم که بازجو می داند چه می خواهد انجام دهد و چه می تواند انجام دهد و چه کلماتی از

¹ شرق / عمادالدین باقی، سایت ایران امروز،

سوی متهم می تواند او را گرفتار یا آسوده کند اما متهم از این مزیت ها محروم است، شرایطی را به وجود می آورد که او را به سختی آسیب پذیر سازد. به همین دلیل است که متهم نباید در برابر بازپرس تنها باشد، تنهایی موجب احساس ترس، نگرانی و ناامنی برای متهم و یا موجب تلقین پذیری یا اغفال او به خاطر بی اطلاعی از ترفندهای حقوقی می شود. متهم مانند فردی است که در یک فضای تاریک و خطرناک گام برمی دارد و همراهی فردی که این فضا را می شناسد و برایش تاریک و مجهول نیست از افتادن متهم به چاه و چاله یا صدمه دیدنش بر اثر برخورد با موانع جلوگیری می کند. ضرورت حضور وکیل به عنوان یکی از حقوق مهم متهم در کلیه مراحل دادرسی و از جمله بازجویی بر همین پایه است.

حق داشتن وکیل

پلیس موظف است به شما بگوید که اگر وکیل ندارید برایتان وسایل تماس با یک وکیل تسخیری را فراهم می نماید. وکیل تسخیری وکیلی است در استخدام دولت، و می تواند تا موقعی که در ایستگاه پلیس هستید با شما مشاوره حقوقی رایگان داشته باشد. گفتگوی شما با وکیل تسخیری، همانند مشاوره شما با وکیل شخصیتان، محرمانه است.

اصل 35 قانون اساسی می گوید: «در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

این اصل اطلاق دارد و نیاز به هیچ تفسیری برای بیان اینکه وکیل در کدام یک از مراحل باید حضور داشته باشد نیست. اما در تبصره ماده 128 قانون آیین دادرسی کیفری می گوید: در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. یعنی دقیقاً حساس ترین نقطه که سرنوشت یک پرونده را رقم می زند. نتیجه این بازی از پیش مشخص است و متهم صرفاً بسته به توانمندی های شخصی خویش می تواند از مخمصه بگریزد. این مرحله آنقدر اهمیت دارد که اگر قرار بود حضور وکیل در جایی استثنا شود بهتر آن بود که وکیل اگر در تمام مراحل دیگر ممنوع از حضور می شود فقط در بازجویی حضور داشته باشد. چگونگی می شود وکیل را در جایی که اصل پرونده منعقد می شود راه نداد. اینکه وکیل در همه مراحل حضور داشته باشد به جز بازجویی، مانند این است که وکیل اساساً حضور نداشته باشد.

با چه کسی میتوانید صحبت کنید

شما حق دارید که به محض بازداشت با وکیل مورد نظرتان صحبت کنید. پلیس موظف است تلفنی (معمولاً در ایستگاه پلیس) را در دسترس شما قرار دهد. هنگامی که تلفنی را در دسترس شما قرار دادند با وکیل خود تماس بگیرید. این تماس باید در **محل محفوظی** انجام بگیرد تا کسی نتواند به حرفهایی که شما به وکیل خود میگویید گوش بدهد. حتماً از فرصت خود برای تماس گرفتن با وکیلان **قبل** از جواب دادن به پرسشهای پلیس استفاده کنید. گاهی از اوقات پلیس به شما پیشنهاد فرصت تماس با وکیلان را نمیدهد یا سعی میکند شما را ترغیب کرده از موضوع صرف نظر نمایید. **در مورد داشتن فرصت برای تماس با وکیلان پافشاری کنید حتی اگر پلیس برایتان مشکل ایجاد کند.**

همچنین پلیس وظیفه دارد تا تلفنی را در دسترس شما قرار دهد معمولاً برای اینکه بتوانید با یکی از اعضای خانواده تان تماس بگیرید و آنها را از شرایط خودتان با خبر کنید. بر اساس تجربه من، پلیس معمولاً این کار را نمی کند و تلفن شما را فقط برای تماس گرفتن با وکیل محدود میکند. **اگر احتیاج به تامی تلفن دومی دارید شما میتوانید در مورد این حقتان پافشاری کنید.**

حق انکار

البته حساسیت این مرحله آنقدر زیاد است که قانون این حق را به متهم داده است که در مرحله محاکمه می تواند تمام اظهارات خود در بازجویی را منکر شود و بگوید تحت فشار روانی یا به خاطر ترس یا تهدید و یا اغفال بوده است و صرف اینکه متهم اقرار خود را انکار کند دیگر ارزش استنادی ندارد. ماده 194 ق.ا.د.ک می گوید: «هر گاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچگونه شک و شبهه ای نباشد و قراین و امارات نیز موید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رای می نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم کرده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می نماید.» به همین دلیل از نظر قانونی اظهارات متهم در محضر قاضی معتبر است و اظهارات او در مرحله بازجویی برای روشن ساختن پرونده و کمک قاضی است. تجارب فراوان بشری طی قرن ها نشان داده که حساسیت دوره بازجویی چنان زیاد است که حق انکار اقرار را می توان در محاکمه برای متهم محفوظ داشت و قضات معمولاً به آن اعتنا می کنند زیرا فقط مدارک و بینه هستند که برای قاضی معتبرند. بنابراین حضور وکیل در مرحله بازجویی می تواند سبب اعتباربخشی مرحله بازجویی و اظهارات متهم باشد.

حق سکوت (امتناع از پاسخ)

متهم باید بداند که می تواند به سئوالات پاسخ نگوید و سکوت او نمی تواند عواقب کیفری داشته باشد. این حق خصوصاً در شرایط فقدان وکیل که متهم نا آشنا با قوانین ممکن است اغفال شود یا دچار توهم و تناقض گویی گردد وسیله دفاع از متهم است. تنها حضور وکیل است که می تواند سخن گفتن را برای متهم موجه سازد. ماده 129 آیین دادرسی کیفری ایران این حق را به رسمیت شناخته می گوید: «چنانچه متهم از پاسخ دادن امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می شود.» اما از سویی دیگر اجازه تمدید بازداشت و اجازه جلوگیری از حضور وکیل به قاضی راه را برای بازداشت طولانی و فشار بر متهم برای عدول از حقوق خود هموار می کند لذا جلوگیری از بازداشت های طولانی و الزامی کردن حضور وکیل می تواند سایر حقوق قانونی را استیفا کند. اجازه تمدید بازداشت فقط در جرایم سنگین مانند قتل و جاسوسی (آن هم تا مدت محدود و معینی) میسر است مشروط به آنکه طبق ماده 124 آیین دادرسی کیفری، دلایل کافی برای بازداشت، قبل از احضار متهم فراهم شده باشد نه اینکه در بازداشتگاه این دلایل تدارک شوند.

پلیس وظیفه دارد به شما بفهماند که شما موظف نیستید حرفی بزنید ولی اگر چیزی بگویید گفته شما نوشته خواهد شد یا بر روی نوار ویدیویی ضبط خواهد گردید تا از آن به عنوان شواهد بر علیه شما استفاده شود. آنها به خواندن از روی دفترچه شان این مورد را به شما هشدار خواهند داد. پس از خواندن این هشدار برای شما بهتر است سکوت کنید مگر اینکه واقعا بخواهید قاضی گفته های بعدی شما را بشنود.

هنگامی که دستگیر میشوید یا تحت بازداشت قرار میگیرید مجبور نیستید به پلیس هیچ حرفی بزنید. مسولیت تصمیم اینکه بخواهید به پلیس در مورد دلیل بازداشت صحبت کنید تماما با خودتان است، اما بهتر است این تصمیم را پس از مشاوره با وکیل اتخاذ نمایید. در طی تمام دوران تجربه من در این زمینه، کمتر کسی بوده است که پس از صحبت کردن با پلیس بعد از دستگیری، شرایط بهتری برای خود ایجاد کرده باشند. در حقیقت اغلب چاه بزرگتری برای خود میکنند.

ممنوعیت اغفال

«مفهوم اغفال این است که پلیس در ضمن تحقیقات خویش نباید مظنون را فریب دهد و برای مثال به او بگوید اسنادی در اختیار دارد در حالی که واقعا چنین اسنادی نداشته است. اقراری که بدین شکل به دست آید قابل ترتیب اثر دادن نیست.... اغفال یا به تله انداختن، یک دفاع قانونی است که به موجب آن فرد مظنونی که به وسیله عوامل اجرای قانون به ارتکاب جرم مجبور

شده است آزاد می شود. دیوان عالی آمریکا، دکترین اغفال را برای کنترل فعالیت های ناقص قانون و پیشگیرانه اقدامات پلیس که آزادی های مدنی را به خطر افکنده و از اصول بی طرفی و انصاف تخلف می کنند، اختراع کرد.» (قضاوت آمریکایی 111) یکی از روش های متداول در بازجویی ها، اغفال متهم یا بلوف زدن و فریب برای کسب اقرار است. در ماده 129 ق.ا.د.ک. می گوید: «سئوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است.»

حق داشتن مترجم

اگر انگلیسی زبان اول شما نیست در صحبت با پلیس دقت بسیار بکنید. در استفاده از مترجم اصرار بورزید. پیش می آید که افرادی که انگلیسی زبان دوم او نیست تحت فشار بازداشت هنگام صحبت دچار مشکلات زیادی میشود. ولی این زمان دقیقا وقتی است که هر کلمه به حساب می آید و گیج شدن، زمینه ساز مشکلات بعدی خواهد شد. اگر در هنگام صحبت کردن با پلیس احساس میکنید که به صحبتها را کاملا نمی فهمید، به آنها بفهمانید به چه زبانی صحبت میکنید و تقاضای مترجم بنمایید.

• سئوالات دیکته شده ممنوع

ذکر سئوالات مبهم و کلی برای به اشتباه انداختن و فریب دادن متهم و یا سئوالات دیکته شده و تلقینی ممنوع است و متهم نباید به هر سئوالی که چنین خصوصیتی داشته باشد پاسخ گوید. گرچه متهم ناآشنا با قوانین به دام این سئوالات می افتد اما بازجو حق طرح چنین سئوالاتی را ندارد. طبق ماده 129 ق.ا.د.ک. «سئوالات باید مفید و روشن باشد. سئوالات تلقینی یا اغفال و اکراه و اجبار متهم ممنوع است.»

معرفی به پلیس

در کلانتری، پلیس سعی در مشخص کردن هویت و دریافت اطلاعاتی از قبیل اینکه شما کجا زندگی یا کار میکنید خواهد نمود. شما تحت شرایط خاصی موظف هستید هویت خود یا تاریخ تولدتان خودتان را به پلیس اطلاع دهید. اگر خودتان را معرفی کردید نمیتوانید دروغ بگویید چون به جرایم دیگری متهم خواهید شد. اگر از معرفی خود به امتناع بکنید، پلیس میتواند برای تشخیص هویت شما میتواند شما را در بازداشت نگهدارد.

آزمایش بازدم

اگر به اتهام نوشیدن مشروب و رانندگی کردن تحت بازداشت باشید، پلیس میتواند از شما درخواست نمونه بازدم بکند. قبل از دادن نمونه بازدم از فرصت خود برای صحبت کردن با وکیل استفاده کنید ولی به خاطر داشته باشید امتناع از دادن نمونه بازدم به درخواست قانونی افسر پلیس جرمی جنایی به حساب می آید. ولی شما موظف نیستید به هیچ آزمایش دیگری از قبیل زدن نوک انگشتان به بینی یا راه رفتن روی یک خط راست تن بدهید. همچنین مجبور نیستید به سولاتی از نوع "امشب چقدر مشروب نوشیده اید" جواب دهید.

جستجوی بدنی شما توسط پلیس

پلیس حق دارد شما را در هنگام بازداشت جستجوی بدنی بکند. آنها مجازند تا بدن شما بگردند تا مطمئن شوند شما اسلحه ای حمل نمیکنید. همچنین میتوانند شما را برای پیدا کردن شواهد مربوط به جرمی که به آن متهم شده اید بگردند. آنها در برخی شرایط خاص میتوانند شما را با لخت کردن بازجویی نمایند. اگر خواستند این کار را انجام دهند، اینکار باید در اداره پلیس یا محلی پوشیده و به صورتی که الزاما حالت تحقیرکننده یا مرعوب کننده نداشته باشد. هنگامی که دستگیر شده اید یا تحت بازداشت هستید موظف نیستید به آزمایشات دیگری از قبیل اثر دندان یا نمونه دی ان ای، DNA تن بدهید. ولی اگر دماغتان را بگیرد و دستمال را دور بیاندازد میتواند از آن استفاده کند.

دیگر چه میتوانید بکنید

نحوه رفتار شما به افسران پلیس اغلب تاثیر بسیاری بر رفتار آنان با شما دارد. بی ادب نباشید. البته این به این معنی نیست که از حق و حقوقتان صرف نظر بکنید. این بدین معنی است که رفتار شما با آنها مثل رفتارتن با راننده اتوبوسی باشد که سوار آن هستید: مودبانه. فکر کنید آنها افرادی هستند که وظیفه ای دارند و در حین انجام آن میباشند. اغلب اوقات با فرد بازداشت شده غرض شخصی ندارند. آنها فقط بر اساس دستور افسری دیگر یا بر اساس گزارش شاهدهی انجام وظیفه میکنند. ولی اگر پلیس بی ادبی کرد، غیر منصفانه یا خشن برخورد کرد، محکم بر تقاضای تماس با وکیل پافشاری کنید، و اگر این هم کار نکرد سکوت اختیار کنید. بقیه مسیر را با دهان بسته طی کنید. بدام نیفتید و حد اقل کسی نمی تواند بعدا شما را در اداره پلیس به اشتباه متهم کند.

آزاد شدن

پس از اتمام تحقیقات، پلیس ممکن است تصمیم بگیرد شما را با **سوگند به حضور** در دادگاه در آینده، آزاد کند. در اینصورت، ممکن است شما موظف شوید تا خاتمه پرونده تان در دادگاه شرایطی را رعایت کنید. این به معنی **تعهد** شما به افسر مسؤل پرونده برای رعایت شرایط محوله به حساب می آید. اگر شما این شرایط را نپذیرید، پلیس میتواند شما را تا هنگامی که به حضور قاضی برسید در بازداشت نگهدارد. اگر اتهام وارده به شما جدی باشد یا اگر سابقه جنایی داشته باشید، ممکن است پلیس تقاضا کند تا تا تاریخ محاکمه در بازداشت باقی بمانید. در این صورت تا آورده شدن به حضور قاضی در بازداشت باقی میمانید. سپس **دادرسی ضمانت** در مورد شما انجام خواهد شد. یکی از بهترین دلایل برای تماس با وکیل از بازداشتگاه، گرفتن کمک برای آماده شدن در مورد دادرسی ضمانت میباشد. شما برای آزاد شدن به فردی به عنوان ضامن با ارائه برخی مدارک مالی احتیاج دارید. اینکه آیا آزاد میشوید یا نه و اینکه اگر آزاد شدید تحت چه شرایطی خواهد بود، بستگی به آمادگی شما به این دادرسی دارد.

سایر حقوق

حقوق دیگری مانند حق اطلاع از اتهام، احترام به شخصیت متهم یا محکوم، منع شکنجه و رفتار تحقیر آمیز، ممنوعیت زدن چشم بند یا رو به دیوار کردن متهم هنگام بازجویی، حق دسترسی به اخبار و رسانه ها و کلیه حقوق مندرج در قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان نیز از دیگر حقوقی هستند که در قانون اساسی ایران و قانون حقوق شهروندی و اسناد و پروتکل های بین المللی حقوق بشر تضمین شده اند.

چند نکته مهم و حقوق متهم در قانون اساسی

اصل 32 قانون اساسی می گوید: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» مدلول این اصل در مواد 24 و 129 قانون آیین دادرسی کیفری نیز آمده است. مطابق اصل 32 قانون اساسی و نیز ماده 24 آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری یکم: تحقیقات و بازجویی از متهم (بازداشت شده یا آزاد) باید در چارچوب موضوع اتهام باشد. دوم: باید تفهیم اتهام و بازجویی با ذکر دلیل و ثالثاً کتبی باشد. برای مثال اگر فردی براساس اتهامی به دادگاه فراخوانده شد موظف نیست به هر پرسشی پاسخ دهد ابتدا باید بپرسد اتهام من چیست سپس هر سئوالی که خارج از موضوع اتهام بود را نفی کرده و می گوید ربطی به اتهام ندارد و پاسخ نمی دهم. سوم: صرف طرح اتهام نیز

کافی نیست بلکه باید اتهام را کتباً در برگه بازجویی بنویسد و متهم نیز کتبی پاسخ دهد و می تواند به سئوالات شفاهی جوابی ندهد. چهارم: صرف نوشتن اتهام کافی نیست و قانون صراحت دارد که اتهام باید با ذکر دلیل باشد. بنابراین اگر فرضاً اتهامی نظیر ارتباط با یک گروه و جریان متوجه فردی شد بر فرض اینکه چنان ارتباطی بر اساس قانون، جرم باشد بعد از اینکه بازجو یا قاضی سؤال را نوشت، ذیل آن پاسخ می دهد «طبق قانون باید اتهام با ذکر دلیل باشد» او مجبور به ذکر دلیل می شود و مثلاً می نویسد: «زید یا عمر در بازجویی های خود چنین اعتراف کردند.» و اگر متهم بنویسد صحت ندارد بازجویی تمام است زیرا یک نقل قول شفاهی را با همین جمله می توان پاسخ گفت. اصل نیز بر پاسخ کوتاه و جمله ای دادن است نه شرح کشف نوشتن. البته طبق بخشنامه رئیس قوه قضائیه نظرات اداره حقوقی این قوه برای قضاوت لازم الاجرا است و طبق نظریه 1/11/591646/7 و 19/5/247762/7 اداره حقوقی، هر متهم می تواند به هزینه خودش یک نسخه کپی از پرونده اش را از شعبه مربوط بگیرد. با مراجعه ای به این اوراق و تحقیق و تفحص در آنها می توان مصادیق فراوانی از سئوالات خارج از موضوع اتهام یا تفهیم اتهامات بدون ذکر دلایل را مشاهده کرد. موارد متعددی از این قبیل پرونده ها نزد ما موجود است. نکته دیگر این است که در دنیای امروز با روش های علمی به کشف جرم می پردازند و حتی در خصوص قتل، تحقیقات، جنبه کاملاً فکری و ذهنی دارد و کشف جرم با تفنگ و ضرب و شتم و زندان نیست. پلیس مانند یک عنصر محقق در قالب یک پروژه فکری به کار می پردازد و اگر به اندازه کافی دلایل جمع کرد اقدام به بازرسی از منزل یا بازداشت موقت می کند اما در اینجا در مواردی که امکان تبانی و امحای آثار جرم نیست. (مانند موارد مطبوعاتی)

چه نوع اقراری معتبر است؟

در کتاب های فقهی آمده است: اقرار شخص فقط علیه خودش معتبر است، پس اقرار او علیه دیگران و همچنین به نفع خود یا دیگری معتبر نیست. در ماده 1278 قانون مدنی نیز که ملهم از قوانین اروپایی است مدلول حکم فقهی مذکور چنین آمده است: «اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.»

تذکرات:

- 1_ با توجه به مدلولات اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی و عادی داخلی می توان استدلال کرد که حضور و کیل در کلیه مراحل دادرسی ضروری و در مرحله بازجویی ضروری تر است و تحقیقات مقدماتی بدون حضور موثر و کیل فاقد اعتبار است.
- 2 - حق یادشده در بند اول مصرح در قانون اساسی و قوانین عادی ایران و منشور جهانی حقوق بشر است.

درس دوم:

تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم

مقدمه

تفتیش و بازرسی جزء مواردی است که در قوانین کشورهای مختلف با آن مواجه هستیم. نکته قابل توجه اینجاست که اکثر کشورها همواره سعی می کنند نسبت به رفع ابهام از قوانین خود اقدامات لازم را انجام دهند تا در راه اجرای عدالت کیفری به وسیله فرشتگان عدالت (قضات) و مامورین آنها، از تضییع حقوق افراد جلوگیری شود.

در قوانین موضوعه ایران نیز موادی را راجع به امر تفتیش و بازرسی مشاهده می کنیم ولی به جهات مختلف از جمله ابهام آمیز بودن برخی از مواد باعث شده است تا ما شاهد برخوردهای سلیقه ای و دلخواهی در این زمینه باشیم. نمونه این برخوردهای سلیقه ای - بعضا غیر قانونی - در رابطه با تفتیش منازل و اماکن ملت آذربایجان و فعالین آذربایجانی می باشد. در این میان عدم آگاهی لازم فعالین آذربایجانی به حقوق قانونی خویش سبب یکه تازی مامورین انتظامی و امنیتی شده است. دستگاه قضایی نیز در بسیاری از این موارد به جای تبعیت از موازین قضایی، به تبعیت از دستورات مختلف ارگانهایی مثل وزارت اطلاعات می پردازد و بدون توجه به ماهیت این فعالیتها آنها را جرم تلقی می کند و به تبع آن دستورات مختلفی از جمله تفتیش و بازرسی منازل فعالین آذربایجانی را صادر می کند. و با اعمالی اینچنینی عملا دست به تضییع حقوق شهروندی و زیر پا گذاشتن اصول بشری می زند.

امید است با مطالعه درس حاضر (همچون دروس قبلی) و دقت در مطالب ارائه شده، آگاهی لازم در این باب به فعالین حرکت ملی آذربایجان داده شود. تا نسبت به حفظ حقوق خویش و جلوگیری از تضییع آن نهایت تلاش خود را بکار برند.

عموما دلایلی که برای تفتیش و بازرسی اعلام می شود این است که متهمینی که منزل و یا محل کار آنها مورد تفتیش و بازرسی قرار می گیرد مرتکب جرایم علیه امنیت شده اند یا در مظان ارتکاب اینگونه جرایم هستند!!

این در حالی است که هیچکدام از این دلایل در مواردی که فعالیتهای فعالین آذربایجانی بر اساس قوانین موضوعه ایران باشد فقد وجاهت قانونی می باشد.

در آینده سعی خواهد شد نسبت به فعالیتهای فعالین آذربایجانی کنکاش حقوقی صورت گیرد تا مشخص شود که می توان آنها را در زمره جرایم علیه امنیت قرار داد و یا نه؟ و به بیان دیگر آیا می توان آنها را جرم تلقی کرد یا نه؟!

تا بدینوسیله مشخص شود که فعالیتهای اینچنینی جرم می باشند یا برخوردهای غیر قانونی مراجع قضایی، انتظامی و امنیتی.

موادی از قانون آیین دادرسی کیفری (تفتیش و بازرسی)

ماده 96 - تفتیش و بازرسی منازل ، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می آید که حسب دلایل ، **ظن قوی** به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم ، در آن محل وجود داشته باشد.

ماده 97 - چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید ، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد.

ماده 98 - تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهودتحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می آید. تفتیش وبازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می شود.

تبصره - هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد ، قاضی می تواند با قید مراتب در صورتجلسه ، دستور باز کردن محل را بدهد.

ماده 99 - اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی .

ماده 100 - تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می آید و هنگام شب در صورتی انجام می گیرد که ضرورت اقتضاء کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورتمجلس قید نماید.

ماده 101 - در صورت لزوم قاضی می تواند ورود و خروج به محل بازرسی را ممنوع نماید و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی استفاده کند.

ماده 102 - در صورتی که متصرفین قانونی اماکن یا متصدیان آنها دستور قاضی را در باز کردن محلها و اشیای بسته اجرا ننمایند ، قاضی می تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می شود احتراز نماید.

ماده 103 - از اوراق و نوشته ها و سایر اشیای متعلق به متهم ، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است

تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته و اشیاء متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد نشود.

ماده 104 - در مواردی که ملاحظه ، تفتیش وبازرسی مراسلات پستی ، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذیربط اطلاع می دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند ، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده ومراتب را در صورتمجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می نماید. استتکاف متهم از امضاء در صورتمجلس قید می شود وچنانچه اشیاء مزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید

به صاحبش مسترد می شود.

تبصره - کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود ، ممنوع است.

ماده 105 - مقامات و مامورین وزارتخانه ها ، سازمان ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادهای و شهرداری ها و ماموران به خدمات عمومی و بانکها و دفاتر اسناد رسمی و دستگاه هایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب و دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری که مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزایی لازم است به درخواست مرجع قضایی رسیدگی کننده ابراز نموده و در دسترس آنها بگذارند. مگر در مورد اسناد سری دولتی که در این صورت باید با اجازه رئیس قوه قضائیه باشد ، متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال خواهد شد.

ماده 106 - هرگاه متهم نوشته های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استتکاف از ارائه آنها ، مستتکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.

ماده 107 - آلات و ادوات جرم از قبیل حربه ، اسلحه ، اسناد ساختگی ، سکه تقلبی و کلیه اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و می تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید ضبط شده و در صورت مجلس ، هر یک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شود.

ماده 108 - آلات و ادوات جرم را باید شماره گذاری و ممهور و حفظ نمود و آنچه را که قاضی تحصیل می کند باید با ذکر مشخصات به صاحبش رسید بدهد.

ماده 109 - هرگاه دلایل جرم چیزی باشد که نتوان از محل جدا و خارج نمود (مثل خونی که ریخته) ، در این صورت قاضی باید نسبت به حفظ دلایل یاد شده اقدام نماید و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم کرده حفاظت آن را به نیروی انتظامی یا مستحفظ مخصوص بسپارد

ماده 110 - از مایعاتی که قابل تجزیه است باید به قدر لزوم تحصیل و در ظرفی ریخته مهر موم شود به طوریکه ضایع یا تفریط نگردد ، از مایعات باید حداقل سه ظرف به عنوان نمونه برداشته شود

ماده 111 - اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده ، باید به دستور قاضی ، به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آنها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی است.

مواد قانونی دیگر در ارتباط با موضوع:

ماده 12 اعلامیه جهانی حقوق بشر

احدی در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد . هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات ، مورد حمایت قانون قرار گیرد

بند 8 و 14 قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و بخشنامه حقوق شهروندی

8 - بازرسی ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد.

14 - از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

ماده 19 دستورالعمل اجرایی بند 15 قانون حفظ حقوق شهروندی

ماده 19- کلیه مراجع قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، ضابطان قوه قضاییه، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر دستگاههای ذیربط مشمول مقررات این دستورالعمل بوده و مکلف به رعایت و همکاری در اجرای آن اند.

ماده 570 اقلون مجازات اسلامی

«هریک از مقامات و مامورین وابسته به نهاد ها و دستگاههای حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

توضیحات:

"دستور جلب، به معنای اجازه ورود به منازل مسکونی افراد نیست. چنانچه برای جلب متهم، نیاز به ورود به منزل مسکونی باشد، مقام قضایی باید آن را در دستور جلب قید کند و درباره آن بطور جداگانه دستور دهد و به مامورین جلب نیز تذکر لازم داده شود.

ضابطین دادگستری هم به نوبه خود باید به این نکته توجه کنند و بدون اجازه صریح مقام قضایی از ورود به منزل مسکونی افراد خودداری نمایند."

آیا مامورین وزارت اطلاعات ضابط قضایی محسوب می شوند؟

چون در بحث تفتیش همواره اشخاص به این نکته اشاره می کنند که مامورین وزارت اطلاعات در امر تفتیش و تحقیقات دیگر بدون رعایت حقوق شهروندی دخالت می کنند و مشکلاتی را بوجود می آورند لذا باز هم یاد آوری می کنیم که مامورین وزارت اطلاعات جزء ضابطین قضایی محسوب نمی شوند بر اساس نظریه مشورتی اداره حقوقی 355 - 64/4/7 مامورین وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی شوند و با توجه به قانون تشکیل وزارت اطلاعات مصوب 1362 نمی توان جلب و دستگیری و یا سایر اقدامات قضایی مصوب سال 1362 را از وزارت اطلاعات تقاضا کرد.

در مورد ماده 96 و 97 ق.آ.د.ک می خوانیم:

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه 7/6466 - 78/9/13

بازرسی منازل مسکونی اشخاص در صورتی وجاهت قانونی دارد که ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در محل وجود داشته باشد. تشخیص این امر به عهده قاضی رسیدگی کننده است.

آذ یاسا: البته ملاک هایی که بتواند ظن های قوی را مشخص کند در قوانین دیده نمی شود لذا این امر میتواند دست قاضی را در اعمال سلیقه و به دنبال آن نقض حقوق شهروندی باز کند!

در ماده 96 مشخص نشده است که "ظن قوی" چطور در قاضی احساس می شود و به بیان دیگر قاضی باید چه ظن هایی را ظن قوی تلقی کند. البته نظریه مشورتی اداره حقوقی تشخیص آن را به عهده قاضی قرار داده است. ولی سوالی که در اینجا ممکن است باز هم به ذهن خطور کند این است که ملاک اینگونه ظن ها چه می تواند باشد؟!

با توجه به اینکه ارگانهای امنیتی و به تبع آنها ارگانهای قضایی تمامی فعالیتهای فعالین آذربایجانی در زمره جرایم علیه امنیت تلقی می کنند! لذا به نظر می رسد ارگانهای مذکور برای قانونی نشان دادن برخوردهای غیرقانونی خویش از ابهام آمیز بودن این ماده نیز کمک می گیرند ولی ذکر این نکته باز هم حائز اهمیت است که تا زمانی که فعالیتهای مذکور در چارچوب قوانین جاری انجام گیرند، برخوردهایی که از طرف ارگانهای مختلف باین گونه فعالیتها - با اتکا به این قسمت ماده - انجام گیرند بطور کلی غیرقانونی می باشند.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه 7/3694 - 73/7/28

نظر به اینکه اقدام به هرگونه بازرسی از منازل و اموال مردم که برای کشف جرم و جلوگیری از فرار مجرم به عمل می آید قانوناً می بایستی تحت نظر و به دستور صریح و مستقیم مقامات صالحه قانونی دادستان و بازپرس و توسط ضابطین دادگستری به عمل آید. و اجازه بازرسی و اعطا نمایندگی به مامورین هم پس از اعلام وقوع جرم و در مورد خاص و زمان معین داده می شود بنابراین در خصوص بازرسی اتومبیلها چه در داخل شهر و چه در مسیر جاده ها، چنانچه وسیله نقلیه مظنون به حمل اجناس ممنوعه و یا اشخاص تحت پیگرد باشد از نظر حفظ امنیت و پیشگیری از وقایع نامطلوب و یا کشف جرم و تعقیب مجرم، اینگونه بازرسی ها ضروری تشخیص می گردد و صاحب وسیله نقلیه اگر اجازه بازرسی ندهد بایستی به شرح فوق و با اعلام مراتب به مقامات ذیربط و با اخذ نمایندگی مخصوص اقدام گردد. بدیهی است چنانچه عاملین بازرسی و یا صادرگندگان دستور

از حدود وظایف قانونی خود خارج شوند و مرتکب عملی شوند که خصیصه کیفری داشته باشد حسب نوع عمل ارتكابی مشمول عنوان کیفری خواهند بود.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه 7/8023 – 80/7/21

اصطلاح حقوق اشخاص مندرج در ماده 97 قانون آیین دادرسی کیفری 1378 ظاهرا در برابر حقوق عمومی است و شامل حقوق هر فرد می شود. متهم، شاکی و افراد خانواده آنان و همسایگان نیز از شمول آن خارج نیستند.

آذ یاسا: این حقوق که شامل حقوق شهروندی اشخاص می باشد که در قوانین داخلی و قوانین مربوط به حقوق بشر مکررا به آن اشاره شده است و اشخاصی که حقی از آنها در این موارد ضایع می شود می توانند به مراجعی از قبیل قوه قضائیه و مراجع حقوق بشر شکایت خود را مطرح نمایند.

توضیح در مورد تبصره ماده 98 ق.آ.د.ک:

آذ یاسا: قید کلمه "فوریت" در تبصره ماده 98 دارای ابهاماتی می باشد و حقوق متهم را در خطر تضییع شدن قرار می دهد. و مشخص نشدن موارد فوریت، این احتمال را بهوجود آورد که اقدامات قاضی در مواردی که هم فوریت ندارد بنا به میل و سلیقه قاضی! حالت فوریت پیدا کند. و در این حالت ما با زیر پا گذاشتن حقوق شهروندی مواجه خواهیم بود.

توضیح در مورد ماده 100 ق.آ.د.ک:

آذ یاسا: در بسیاری از موارد ما با تفتیش و بازرسی شبانه توسط مامورین انتظامی و امنیتی مواجه هستیم. این در حالی است که حتی اگر به فرض مثال اتهامی که به متهم نسبت داده می شود بعدا اثبات شود که جرم است دلیلی بر موجه و قانونی بودن چنین تفتیشی نمی باشد. و ضرورتی که قانون گفته باید حد و مرز آن مشخص شود تا جلوی اعمال سلايق شخصی قضات و مامورین انتظامی و امنیتی گرفته شود. بطور مثال در چندین مورد منزل برخی از فعالین آذربایجانی شب هنگام مورد تفتیش و بازرسی قرار گرفته است. با این حال هیچگونه ضرورتی که بتوان آن را در قوانین مختلف دید، در چنین مواردی احساس نمی شود و چنین تفتیشهایی کاملا غیرقانونی می باشند

توضیح در مورد ماده 103 ق.آ.د.ک:

آذ یاسا: برای مثال ماده 103 می توان به ضبط اشیا مربوط به فعالیتهای هویت جویانه فعالین آذربایجانی توسط مامورین امنیتی و انتظامی اشاره کرد. این اشیا و وسایل که به عنوان آلات جرم ضبط می شوند در اکثر موارد غیر قانونی ضبط می شوند چرا که در هیچ یک از قوانین ما با موردی بر نمی خوریم که این اشیا را جزء آلات جرم تلقی کند حتی در جرایم علیه امنیت نیز ما با چنین الات جرمی مواجه نیستیم. و همانطور که ارگانهای برخورد کننده، این فعالیتها را در زمره جرایم علیه امنیت قرار می دهند با همان استنباط غلط و غیرقانونی نیز وسایل، کتابها و اشیایی که کوچکترین رابطه ای با این فعالیتها داشته باشند به عنوان آلات جرم ضبط می کنند!

ذکر این نکته حائز اهمیت است که هر فعالیتی که در چارچوب قوانین انجام گیرد کاملاً قانونی می باشد و ضبط اشیا و الات مرتبط با اینگونه فعالیتها نیز –اگر جزء آلات ممنوعه نباشند – غیر قانونی می باشد.

در مورد ماده 104 ق.آ.د.ک می خوانیم:

از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

اصل بیست و دوم – حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و پنجم – بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده 17 – 1 – هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه و یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود. 2- هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض، از حمایت قانونی برخوردار شود.

از قانون مجازات اسلامی

ماده 582 - هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه 7/3472- 77/8/16

ضبط کردن یا استراق سمع مذاکرات تلفنی توسط مستخدمین و مامورین دولتی جرم و مشمول ماده 582 ق.م.ا است. لکن چنانچه شخص ثالثی که مرتکب اعمال مذکور شده از مامورین یا مستخدمین دولتی نباشد قابل تعقیب کیفری نیست مگر اینکه ارتکاب اعمال مذکور، مستلزم مزاحمت تلفنی (مشمول ماده 641) یا استفاده غیر مجاز از تلفن (مشمول ماده 660 قانون مزبور) باشد که در این صورت به جهات اخیرالذکر قابل تعقیب کیفری خواهد بود.

آذ یاسا:

در تبصره ماده 104 برای کنترل کردن تلفن عبارت "امنیت کشور" را به کار برده است. در اینجا نیز باز با نوعی سردرگمی و ابهام آمیز بودن عبارت مذکور مواجه می شویم. با اینکه جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور در مواد 498 تا 512 قانون مجازات اسلامی بیان شده است گسترش دایره شمول آن به هر نوع عمکرد و فعالیتی در جامعه موجب به وجود آمدن فساد قضایی خواهد شد. مثال بارز این مورد کنترل تلفنهای فعالین آذربایجانی می باشد که نقض آشکار اصول بشری و حقوق شهروندی را نشان می دهد.

در مورد ماده 106 قانون آیین دادرسی کیفری در ماده 553 و 554 قانون مجازات اسلامی

می خوانیم:

ماده 553 - هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد -
چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن

اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یا ماه تا یک سال حبس خواهد بود .

تبصره - در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی کننده یقین به بی گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد .

ماده 554 - هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد .

تبصره - در موارد مذکور در ماده (553) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود .

توضیح در مورد ماده 107 و 108 ق.آ.د.ک:

در ماده 107 و 108 اشاره شده است که اشیاء ضبط شده باید تعریف و توصیف و صورت مجلس گردند و نهایتاً رسیدی به صاحب اشیا مذکور داده شود. در این مورد نیز ما شاهد هستیم که هیچگونه صورت مجلسی برداشته نمی شود و هیچگونه رسیدی دال بر ضبط آنها داده نمی شود. و این کاملاً نشان دهنده غیرقانونی بودن عملکرد نیروهای انتظامی و امنیتی می باشد.

نکات لازم در هنگام تفتیش و بازرسی:

1- ارزیابی مجوز

ارزیابی اینکه آیا مجوز مذکور از مراجع قانونی صادر شده است یا نه.

سعی شود تا حدودی نیز هویت مامورین مورد ارزیابی قرار گیرد. در موارد مشکوک می توان از پلیس عمومی (پلیس 110) کمک خواست.

در صورت مشکوک بودن حکم و یا هویت مامورین، می توان از اقدام آنها جلوگیری بعمل آورد.

2- اخذ یک نسخه از حکم بازرسی و تفتیش

نبایستی اکتفا به نشان دادن حکم شود، بلکه باید از مامورین یک نسخه از حکم مذکور درخواست شود.

3- درخواست رسید ارقام ضبط شده

هر چند که مامورین تفتیش مکلف به صورت برداری و ارائه رسید می باشند ولی باتوجه به موارد مختلفی که مغایر با قانون عمل شده است همواره باید به این نکته توجه شود که ضبط اموال بدون صورت برداری و ارائه رسید غیر قانونی می باشد. لذا در این موارد اگر امکان ممانعت وجود نداشته باشد می توان این امر را به مامورین متذکر شد و در اولین فرصت با ارائه شکایت به مراجع ذی صلاح امکان دفاع از حقوق خود را فراهم نمایید.

4- مواظب باشید تا اشیاء مجرمانه را در داخل اشیاء شما جاسازی نکنند:

همواره باید به این نکته توجه داشت که امکان داخل کردن اسناد، مدارک و اشیاء مجرمانه به داخل اشیاء شما، توسط مامورین وجود دارد و با جاسازی اشیاء مذکور این هدف دنبال می شود که موارد مذکور به حساب متهم گذاشته شود تا به عنوان جرمی علیه وی تلقی شود.

لذا جهت جلوگیری از چنین مواردی حتماً بایستی مدارک ضبط شده صورت جلسه گردند تا اگر چنین جاگذاری صورت گیرد مشخص شود در غیر اینصورت متهم می تواند منکر ضبط و یا وجود هرگونه وسایل مجرمانه علیه خودش باشد.

5- به کارگیری تمام حواس:

صاحبان اماکن و منازل، هنگام تفتیش و بازرسی باید تمام حواس خود را به کار ببرند تا چنانچه تخلفی از مامورین سر زد متذکر آن شوند و بعداً در دفاع از خود آنها را مورد استفاده قرار دهند.

6- صورت برداری شخصی:

بهتر است که لیست اقلام ضبط شده را - در حد امکان - تهیه کنید. البته بهتر است تهیه این لیست قبل از تفتیش و بازرسی مامورین صورت گیرد. این امر تا حدود زیادی از تضييع شدن حقوق جلوگیری می کند. برای همین، داشتن صورتی از وسایل که بر اساس قانون جزء آلات ممنوعه نمی باشند ولی توسط مامورین احتمال ضبط شدن را دارند مفید می باشد.

7- تنظیم شکایت:

در اولین فرصت چنانچه تضييع حقی در این باب صورت گرفته باشد، طی شکایتی به مراجع ذی صلاح اعلام گردد. تا مستندی باشد برای دفاع از حقوق خویش.

حریم خصوصی

در بند (8) **قانون حفظ حقوق شهروندی** ضابطان و مقامات قضایی از مزاحمت و بی احتیاطی و تعرض به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباط به جرم ندارد و یا به متهم تعلق ندارد و همینطور نامه ها و عکس ها و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها بر حذر شده اند اما همه ما کم و بیش شنیده ایم که پس از بازداشت، محتویات گوشی موبایل و کامپیوتر خانگی افراد توسط مامورین تفتیش شده در حالی که محتویات کامپیوتر خانگی معمولا مربوط به علایق و عکس های جمع های دوستانه و خانوادگی است و احساس میشود گوشی موبایل افراد بازداشتی بدون دستور قضایی تفتیش و اگر چیزی در آن باشد که به زعم بعضی جرم و احیاناً خلاف عفت تلقی شود بعد از تفتیش برای بررسی آن اقدام به صدور دستور قضایی میشود! علیهذا رعایت بند 8 بخصوص در جرایم مطبوعاتی و سیاسی که دارای حالتی خاص از قصد و انگیزه و... نسبت به سایر جرایم هستند بسیار ضروریست.

جزئیات لایحه حمایت از حریم خصوصی

لایحه حمایت از حریم خصوصی، که به امضای سید محمد خاتمی رییس جمهوری سابق و وزیران کشور، اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و دادگستری در دولت او رسیده است، در دستور کار چهار کمیسیون تخصصی مجلس قرار گرفت . به گزارش خبرنگار پارلمانی ایرنا، سرفصل های این لایحه به "حریم خصوصی جسمانی"، "حریم خصوصی اماکن و منازل"، "حریم خصوصی در محل کار"، "حریم خصوصی اطلاعات"، "اطلاعات شخصی در فعالیتهای رسانه ای"، "حریم خصوصی ارتباطات" و "مسئولیت های ناشی از نقض حریم خصوصی" اختصاص دارد .

نقض حریم خصوصی طبق این لایحه، حبس از سه ماه تا یک سال را در پی خواهد داشت و چنانچه مرتکب، در زمره یکی از مقامات و ماموران دولتی باشد، علاوه بر مجازات یادشده، به انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی محکوم می‌شود .

حریم خصوصی اماکن و منازل

به موجب ماده 16 از این لایحه، منازل و اماکن خصوصی مصون از تعرض هستند. هیچ کس نمی‌تواند وارد منزل یا مکان خصوصی دیگری شود و یا هر نوع وسیله پایش در آنجا قرار دهد، مگر با رضایت متصرف قانونی یا با مجوز قضایی . بر اساس مواد بعدی، ضابطان قضایی پس از ورود به مکان خصوصی یا منزل، باید در چارچوب مجوز صادره عمل کنند و اوراق هویت خود را نشان دهند .

حریم خصوصی در محل کار

مواد 23 تا 27 لایحه، مقررات حریم خصوصی در محل کار را بیان می‌کند .
براین اساس، مدیران و کارفرمایان مجاز به استفاده از نظارت‌های الکترونیکی نیستند، مگر آنکه بر مبنای دلایل متعارف، ظن قوی مبنی بر ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه در ارتباط با محیط کار وجود داشته باشد .
بنابر این ماده 25 این لایحه، تجهیزات تصویربرداری که به قصد نظارت الکترونیکی به کار می‌رود، باید کاملاً قابل رویت باشد و در محلی که نظارت در آنجا صورت می‌گیرد، علائمی به کار رفته باشد که به کارکنان و ارباب رجوع توجه دهد محل مذکور تحت نظارت الکترونیکی است .
طبق مواد بعدی، تایید نظارت الکترونیکی در دستگاه‌های دولتی و عمومی باید توسط بالاترین مقام سازمانی مربوطه صورت گیرد و اطلاعات ذخیره شده در فیلم‌ها و نواردها و نظایر آن ظرف حداکثر شش ماه پس از تاریخ ذخیره، باید معدوم شوند .

حریم خصوصی اطلاعات

در فصل "حریم خصوصی اطلاعات" تاکید شده است که اطلاعات شخصی افراد تا حد امکان باید توسط خود اشخاص جمع‌آوری شود و استفاده از وسایل و روش‌های غیرقانونی و غیرمتعارف برای این منظور، ممنوع است .
دراین فصل تاکید شده است که موسسات عمومی و خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، برای جمع‌آوری اطلاعات شخصی افراد باید آزادی افراد در ارائه اطلاعات یا ملزم بودن قانونی آنها به ارائه آن، هویت موسسه جمع‌آوری‌کننده اطلاعات

، امکان یا عدم امکان دسترسی خود فرد به اطلاعات جمع آوری شده، اهداف این کار و نتایج عدم ارائه اطلاعات از سوی فرد را به اطلاع او برسانند .

بر اساس ماده 31 از این لایحه، موسسات یاد شده باید اطلاعات شخصی افراد را فقط برای هدف اولیه جمع آوری آنها بکار برند و نمی‌توانند جهت اهداف و مقاصد دیگری از آنها استفاده کنند یا آنها را در اختیار سایرین قرار دهند .

دولت در این ماده 35 از لایحه تاکید کرده است : افرادی که اطلاعات شخصی آنها در موسسات مشمول این قانون نگهداری می‌شود، حق دسترسی به اطلاعات مذکور را به نحو مورد نظر خود دارند و موسسه مکلف به اجابت درخواست آنهاست، مگر اینکه دسترسی به اطلاعات تهدید جدی به حیات و سلامتی فرد ایجاد کند و یا آنکه اصولاً دسترسی به آن اطلاعات طبق قانون، ممنوع باشد .

اطلاعات شخصی در فعالیت‌های رسانه ای

پرحجم‌ترین فصل از لایحه که مواد 40 تا 54 را در بر می‌گیرد به "اطلاعات شخصی در فعالیت‌های رسانه ای" اختصاص دارد . طبق ماده 40، افشای امور خصوصی افراد در رسانه‌های همگانی ممنوع است مگر به شرح مقرر در قانون .

در این فصل ، ورود عوامل رسانه‌های همگانی به جلساتی که به صورت غیرعلنی تشکیل می‌شود، ممنوع شده است . بر اساس بخش دیگری از این فصل، استفاده از نام، شباهت تصویری و صوتی افراد در رسانه‌های همگانی برای مقاصد تبلیغاتی و نیز انتشار یا پخش تصویر یا صوت افراد که در حالت‌های نامتعارف آنها تهیه شده و به شهرت و اعتبار اجتماعی فرد لطمه بزند، ممنوع شده است .

در همین فصل تاکید شده است که انتشار نام، تصویر و سایر جزئیات زندگی اشخاصی که اقدام به خودکشی کرده‌اند و یا در نتیجه وقوع حوادث یا بلایای طبیعی و مصنوعی دچار آسیب‌های ناخوشایند جسمی و روحی شده‌اند، در رسانه‌های همگانی ممنوع است، مگر به اجازه خود یا نماینده آنها .

بر اساس بخش دیگری از این لایحه، هویت، تصویر، محل سکونت و محل کار کودکان و زنانی که قربانی سوءاستفاده‌ها یا جرائم جنسی واقع شده‌اند نباید در رسانه‌های همگانی منتشر یا پخش شود .

دولت در لایحه خود همچنین تاکید کرده است: افشای هویت منابعی که با شرط "عدم افشای نام خود" حاضر شده‌اند اطلاعاتی را در اختیار رسانه ها قرار دهند، بدون رضایت صریح آنان ممنوع است و مسئولیت اعلان و انتشار آن با رسانه مربوطه است .

همچنین در ماده 48 از این لایحه، فیلمبرداری و تصویربرداری از افراد و انتشار و پخش آنها به استثنای مقامات دولتی و عمومی در رسانه‌های همگانی بدون رضایت صاحبان تصاویر یا صوت یا اثر ممنوع است .

حریم خصوصی ارتباطات

بر اساس لایحه مزبور، حریم خصوصی ارتباطات مصون از تعرض است و هیچ کس اجازه رهگیری آن را ندارد، مگر به موجب قانون .

در بخشی از این فصل، رهگیری ارتباطات از راه دور (تلفن، فکس، بی سیم) و پایش ارتباطات کلامی - حضوری افراد، مگر با رعایت قانون، ممنوع است .

رهگیری ارتباطات دور یا ارتباطات کلامی - حضوری، نیازمند مجوز کتبی که در آن باید مشخصات شخص یا اشخاصی که باید ارتباطاتشان رهگیری شود، مشخصات دقیق شخص یا سازمانی که باید ارتباطات مورد نظر را رهگیری کند، مدت زمان اعتبار مجوز رهگیری، موضوعی که باید اطلاعات راجع به آن رهگیری تحصیل شود و استفاده کنندگان از اطلاعات تحصیل شده، مشخص باشد .

به موجب ماده 62 از این لایحه، هرگونه افشای اطلاعات حاصل از رهگیری های قانونی به اشخاص و مراجع غیرقانونی جرم تلقی می شود و مجازات در پی خواهد داشت .

ماده 65 از لایحه نیز تصریح می کند: شنود، ضبط، ذخیره یا دیگر انواع رهگیری ارتباطات خصوصی اینترنتی اشخاص بدون رضایت آنها مجاز نیست .

در بخش دیگری از همین فصل، تاکید شده است: بازکردن، ضبط، بازرسی، تفتیش، ملاحظه و قرائت نامه ها و سایر مرسولات پستی به هر نحو ممنوع شده است. البته این بار هم "مگر بر طبق قانون" .

در ماده 57 از لایحه آمده است: هرگاه کارشناسان وزارت اطلاعات بر مبنای ظن قوی تشخیص دهند که بازکردن، ضبط، بازرسی و تفتیش نامه ها و سایر مرسولات پستی برای صیانت از امنیتی ملی ضروری است، با مجوز کتبی قاضی ویژه منصوب رییس قوه قضائیه نسبت به بازکردن، ضبط، بازرسی، تفتیش و ملاحظه مرسولات اقدام خواهند کرد .

حریم خصوصی جسمانی

فصل "حریم خصوصی جسمانی" تاکید دارد که "کرامت انسانی و حقوق و آزادی های ملازم با آن مصون از تعرض است و

هیچ کس را نمی توان قبل از دستگیری یا پس از آن مورد بازرسی و تفتیش قرار داد، مگر طبق قانون" .

این فصل، بندهای "بازرسی بدنی از روی لباس" ، "بازرسی بدنی با درآوردن لباس" و "تفتیش اندام های داخلی انسان" را در برمی گیرد .

به موجب ماده 5 از این فصل، ضابطان دادگستری می‌توانند در صورت دستگیری قانونی یک فرد، وی را در محل دستگیری یا مقر سازمانی مربوطه با توجه به جلوگیری از استفاده از سلاح یا وسایل خطرناک و یا کشف و ضبط موارد مخدر، از روی لباس مورد بازرسی قرار دهند.

در عین حال، اصولی ایمنی نیز برای اجرای این ماده پیش بینی شده است.

بر اساس ماده 6 از همین فصل، ابتدا باید از فرد دستگیر شده هر چه در جیب‌های خود دارد یا درلباسش جاسازی کرده، خالی کند. سپس کیف جیبی یا ساک او را مورد بازرسی قرار دهند و در صورتی که این اقدامات کافی نبود، از روی لباس او را بازرسی بدنی کنند.

هیات وزیران و یا شورای امنیت کشور و مناطقی که طبق دیدگاه طراحان لایحه "ضرب بالای امنیتی" دارند، باید مشمول بازرسی‌های بدنی شوند.

این لایحه در کمیسیونهای اجتماعی، صنایع و معادن، فرهنگی و قضایی و حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.²

شفاف سازی اختیارات و مسئولیت‌های ارکان و اجزاء مختلف حکومت در زمینه رعایت حریم خصوصی (1)

لایحه حریم خصوصی در کمیسیون لوایح دولت تصویب شد

لایحه حریم خصوصی با هدف حمایت از حریم خصوصی افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات و شفاف سازی اختیارات و مسئولیت‌های ارکان و اجزاء مختلف حکومت در زمینه رعایت حریم خصوصی افراد در کمیسیون لوایح دولت تصویب شد. به گزارش خبرگزاری مهر، به نقل از سایت سخنگوی دولت این لایحه با هفت فصل و 83 ماده در کمیسیون لوایح دولت تصویب و برای تصویب به هیات دولت ارسال شد.

تعاریف و کلیات، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی در محل کار، حریم خصوصی اطلاعات، حریم خصوصی ارتباطات و مسئولیت‌های ناشی از نقض حریم خصوصی هفت فصل لایحه حریم خصوصی است. حمایت از جسم افراد، اماکن خصوصی و منازل، حریم خلوت و تنهائی افراد، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات و تبیین نحوه اجرای اصول (22) و (25) قانون اساسی، شفاف سازی اختیارات و مسئولیت‌های ارکان و اجزاء مختلف حکومت در زمینه رعایت حریم خصوصی و با عنایت به تعهدات بین‌المللی دولت از جمله اهداف تصویب این لایحه عنوان شده است.

² <http://www.ictna.ir>

قسمت اول این لایحه که شامل فصلهای 1 و 2 آن می باشد در پی می آید:

فصل اول:

ماده 1: با الهام از احکام شرع مبین اسلام و به منظور حمایت از جسم افراد، اماکن خصوصی و منازل، حریم خلوت و تنهائی افراد، محل های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات و تبیین نحوه اجرای اول اصول (22) و (25) قانون اساسی، شفاف سازی اختیارات و مسئولیت های ارکان و اجزاء مختلف حکومت در زمینه رعایت حریم خصوصی و با عنایت به تعهدات بین المللی دولت، قانون حریم خصوصی به شرح زیر تصویب می رسد.

ماده 2: تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به کار می روند به شرح زیر است:

1- حریم خصوصی: قلمروئی از زندگی هر شخص است که آن شخص یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می شوند.

2- اماکن خصوصی: عبارتست از اماکن متعلق به شخص یا اشخاص یا در تصرف آنها که ورود دیگران به آنجا یا عرفا مجاز نیست یا مالک یا متصرف قانونی به نحو مشخصی در چارچوب قانون، ورود دیگران به آن اماکن را ممنوع اعلام کرده است. همچون بخش های مشترک مجتمع های آپارتمانی

3- منزل: انواع خانه ها، چادرهای مسکونی، داخل وسائل نقلیه مسقف، بخش های مسکونی کشتی ها، اتاق های استراحت هتل ها، مهمانسراها، خوابگاه های دانشجویی، بیمارستان ها و دیگر تاسیسات مشابه و یا اماکنی که عرفا به آن منزل اطلاق می شود، داخل در این تعریف می باشند.

بخش های مشترک مجتمع های آپارتمانی، هتل های، بیمارستان ها و سایر اماکنی که دارای بخش های اشتراکی هستند از شمول تعریف منزل خارجند.

4- اطلاعات شخصی: عبارتست از اطلاعات وابسته به شخصیت افراد نظیر وضعیت زندگی خانوادگی، عادت های فردی، ناراحتی های جسمی و شماره کارت های اعتباری.

اطلاعات مربوط به نام و نام خانوادگی، نشانی های محل سکونت و محل کار و شماره های تلفن از شمول تعریف اطلاعات شخصی خارج می باشد.

5- اطلاعات شخصی حساس: اطلاعات راجع به وضعیت زندگی جنسی، اعتقادات (اعم از فلسفی، مذهبی و سیاسی)، عضویت در احزاب یا تشکل های صنفی و وضعیت نژادی، قومی قبیله ای افراد است.

6- دسترسی به اطلاعات: اعم است از مشاهده سند و یاهر وسیله یا چیز دیگری از اطلاعات در آن ثبت یا ذخیره شده است و

اطلاع از محتوای آن از طریق مطالعه یا استنساخ یا تکثیر تمام یا برخی قسمت‌ها و یا با تهیه یک رونوشت کامل از آن.

7- ارتباطات: اعم از ارتباطات کلامی - حضوری، کتبی، الکترونیکی، سیمی و غیره است که به وسیله آن هر گونه مکالمه و

انتقال پیام در اشکال کلامی - حضوری، مکتوب، داده، متن، تصویر، صدا، علائم و نشانه‌ها و یا در یک شکل ترکیبی از

آنها انجام می‌گیرد.

8- پایش: عبارتست از کسب اطلاعات از طریق مختلف: مخفی یا آشکار و با وسیله یا بی وسیله، اعم از آنکه رفتار، گفتار،

نوشتار مورد پایش ضبط و ذخیره شود یا نشود.

9- رهگیری: عبارتست از دستیابی به محتوای ارتباطات کلامی - حضوری یا کتبی یا الکترونیکی یا سیمی با استفاده از هر نوع

وسيله الکترونیکی، مکانیکی یا سایر وسائل مشابه بدون اطلاع طرف برقرار کننده ارتباط نظیر بررسی، شنود و ضبط ارتباطات

10- افشاء: یعنی انتشار، مخابره، انتقال و به طور کلی هر گونه ابراز و ارائه اطلاعات راجع به حریم خصوصی یا شخص به هر

شخصی غیر از صاحب اطلاعات.

11- موسسات عمومی: به کلیه وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی، موسسات و نهادهای عمومی غیره

دولتی، نیروهای مسلح و قوه قضائیه، کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا

تصریح نام است اطلاق می‌شود.

فصل دوم - حریم خصوصی جسمانی

ماده 3: کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های ملازم با آن مصون از تعرض است. هیچ کس را نمی‌توان قبل از دستگیری یا پس

از آن مورد بازرسی و تفتیش قرار داد، مگر بر طبق قانون

بند اول - بازرسی بدنی از روی لباس

ماده 4- ضابطان دادگستری در انجام وظائف خود می‌توانند افرادی را که بر اساس امارات و قرائن متعارف مظنون به ارتکاب

جرم یا مشارکت یا معاونت و یا تبانی برای ارتکاب جرم هستند متوقف ساخته و اوراق هویت آنها را مطالبه و بازمینی فردی

نمایند و آنها را در ارتباط با ظن ایجاد شده، مورد پرسش قرار دهند.

ماده 5 - ضابطان دادگستری می‌توانند در صورت دستگیری قانونی یک فرد وی را در محل دستگیری یا مقر سازمانی مربوط با

توجه به یکی از اهداف زیر از روی لباس مورد نیاز بدنی قرار دهند:

1- برای جلوگیری از استفاده از سلاح یا وسائل خطرناکی که ممکن است توسط شخص دستگیر شده علیه آنها یا دیگران مورد

استفاده قرار گیرد.

2- برای کشف و ضبط مواد مخدر یا ادله جرم یا اشیاء مورد استفاده برای ارتکاب جرم یا اشیاء حاصل از ارتکاب جرم.

ماده 6- ضابطان دادگستری در اجرای ماده فوق، با رعایت اصول امنیتی مربوط به بند (1) آن، باید به ترتیب زیر عمل کنند:

1- از دستگیر شده بخواهند که هر چه در جیبهای خود دارد یا در لباسش جاسازی کرده خالی کند؛

2- کیف جیبی یا ساک و سایر وسایل همراه او را مورد بازرسی قرار دهند

3- در صورتی که اقدامات فوق عرفاً کافی یا موثر نباشد فرد دستگیر شده را از روی لباس بازرسی بدنی نمایند.

ماده 7- بازرسیهای بدنی افراد در اماکنی که برای حفاظت از آنها به موجب مصوبه هیئت وزیران یا شورای امنیت کشور ضریب

امنیتی بالا لازم است، حتی المقدور به طور نامحسوس و در حدود متعارف مجاز می باشد.

تبصره - هیئت وزیران مکلف است ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون فهرست اماکن عمومی را که ضریب امنیتی بالا

لازم دارند مشخص کند.

بند دوم - بازرسی بدنی با درآوردن لباس

ماده 8- بازرسی بدنی با درآوردن لباس در خصوص افراد مظنون به ارتکاب جرم یا متهم یا مجنی علیه، تنها در موارد زیر مجاز

است :

1- بنا به دستور مرجع صالح قضایی برای کشف جرم یا کشف و تامین دلیل و ضمن صدور قرار مبنی بر بازرسی بدنی.

2- وجود ظن قوی مبنی بر اینکه اگر از این بازرسی استفاده نشود ادله جرم از روی بدن مظنون، متهم یا مجنی علیه محو و

بدون آن ادله، اثبات جرم عرفاً غیرممکن یا بسیار دشوار خواهد شد.

بند سوم - تفتیش اندامهای داخلی انسان

ماده 9- تفتیش اندامهای داخلی انسان (موضوع مواد این بند) ممنوع است و مرجع صالح قضایی تنها در صورتی مجاز به صدور

قرار معاینه اندامهای داخلی افراد می باشد که ظن قوی وجود داشته باشد که نتیجه این معاینه می تواند به اثبات ارتکاب جرم یا

اثبات میزان صدمات و تعیین دیه و ضرر و زیان مورد مطالبه کمک نماید.

تبصره 1- بازرسی ظاهری مجاری دهان، بینی و گوش تفتیش اندام داخلی محسوب نمی شود.

تبصره 2- اخذ خون از افراد به عنوان تحصیل دلیل اثبات جرم، تابع احکام پیش بینی شده برای تفتیش اندامهای داخلی است و در سایر موارد تابع احکام خود می باشد.

تبصره 3- تفتیش داخل مجاری تناسلی مشمول این ماده و مواد بعد می باشد.

ماده 10- تفتیش اندامهای داخلی انسان باید با استفاده از رویه‌های مقبول پزشکی و حتی‌المقدور توسط متخصصان امور پزشکی صورت گیرد و فقط در صورتی می‌توان از آن استفاده کرد که به کارگیری روش قانونی دیگری امکان‌پذیر یا مؤثر نباشد.

ماده 11- انجام هرگونه عمل جراحی برای خارج ساختن ادله جرم از بدن افراد، خوردن هرگونه مواد مسهل یا ملین که منجر به شستشوی معده و روده‌ها شود تنها با رعایت مواد (9) و (10) و در صورتی مجاز است که استفاده از روشهای کم خطرتر ممکن نباشد.

ماده 12- چنانچه قویا بیم آن باشد که در صورت انتظار برای اخذ مجوز قضایی حیات یا سلامت افراد به مخاطره افتد و یا ادله جرم از بین خواهد رفت، ضابطان دادگستری می‌توانند با استفاده از رویه‌های مقبول پزشکی و حتی‌المقدور توسط متخصصان امور پزشکی تفتیش اندامهای داخلی را انجام دهند و گزارش آن را فوراً به اطلاع مقام قضایی برسانند.

تبصره - تفتیش اندامهای داخلی که مستلزم عمل جراحی یا بیهوشی باشد صرفاً به موجب مجوز قضایی و توسط پزشکی متخصص صورت خواهد گرفت .

ماده 13- چنانچه مظنون یا متهم در برابر تفتیش اندامهای داخلی مقاومت کند، ضابطان دادگستری می‌توانند تنها تا حدی که به طور متعارف ضرورت داشته و منجر به ضرب و جرح و ایراد صدمه روحی نشود اقدامات لازم برای خنثی کردن مقاومت او به عمل آورند.

بند چهارم - مقررات مشترک

ماده 14- بازرسی بدنی افراد باید در مورد مردان توسط مرد و در مورد زنان توسط زن به عمل آید.

ماده 15- محلی که بازرسی یا تفتیش بدنی یا معاینه در آن به عمل می‌آید باید با استفاده از وسایل و تدابیر مناسب از دید سایر افراد پوشیده باشد.

ماده 16- متعارف بودن بازرسیهای بدنی و تفتیش اندامهای داخلی با توجه به عوامل زیر تعیین می‌شود:

1- دلایلی که به استناد آنها بازرسی یا تفتیش صورت گرفته است

- 2- روشی که بازرسی یا تفتیش با استفاده از آنها انجام شده است
- 3- مکانی که بازرسی یا تفتیش در آنجا صورت گرفته است
- 4- قلمرو کیفی و کمی بازرسی یا تفتیش
- 5- ماهیت و شدت جرمی که با استناد آن، بازرسی یا تفتیش صورت گرفته است
- 6- سوابق فرد مورد بازرسی یا تفتیش و محکومیت قبلی وی به دلیل حمل سلاح یا مواد مخدر



حريم خصوصي³

لايحه حريم خصوصي با تعريف حريم خصوصي جسماني از جمله بازرسي هاي بدني، حريم خصوصي در محل كار، حريم خصوصي اماكن و منازل، حريم خصوصي اطلاعات و حريم خصوصي ارتباطات از جمله ارتباطات پستي و از راه دور، كلامي و حضوري، ارتباطات اينترنتي و مسئوليت هاي ناشي از نقض حريم خصوصي، در كميسيون امنيت ملي و سياست خارجي مجلس به تصويب رسيد و به صحن علني مجلس فرستاده شد.

لايحه حريم خصوصي از دو منظر حائز اهميت است. اول آنكه به رسميت شناختن محدوده اي به نام حريم خصوصي توسط دولت گامي مهم در عرصه شناخت حقوق فردي است كه چنين مقوله اي در دهه هاي قبل مطرح نبوده و شناخت حقوق فردي، نه در فرهنگ خانواده، نه در حوزه جامعه و نه در حوزه قانون كمتر مورد توجه قرار گرفته بود. اينك با رشد سطح آگاهي و مطالبات آحاد جامعه يكي از موضوعات مهم و مورد بحث جامعه جوان ايران مطالبه حقوق فردي و رعايت حريم خصوصي از سوي دولت و نيز افراد جامعه است.

دوم اينكه طرح حريم خصوصي با رعايت حقوق شهروندي نيز ارتباط تنگاتنگ دارد و مصوب شدن اين لايحه مي تواند پيش زمينه طرح حقوق شهروندي نيز شود. اما نکته مهم در لايحه حريم خصوصي دوري از طرح كليات و پرداختن جزء به جزء موارد مربوط به اين حق مسلم شهروندان است. زيرا پرداختن به كليات اين لايحه، پيامدي جز تصويب قوانين ابهام برانگيز نخواهد داشت. حسين بيات و كيل دادگستري در خصوص لايحه حريم خصوصي، قوانين مربوط به مكالمات تلفني و مراسلات پستي را از مصاديق اين اصل كلي دانست و گفت: طبق قانون، فردي كه بدون مجوز تحت عنوان مامور دولتي به اين حيطه وارد شود، متجاوز شناخته شده و براي او مجازات در نظر گرفته شده است. اما مشكل اساسي نظام قضايي و قانون، عدم ضمانت براي اجرائي قانون است. دكتور بهروز گلپايگاني، مدرس حقوق نيز در اين باره ابراز داشت: بسيار مشاهده مي شود كه ماموران در بازرسي از محل زندگي افراد به موارد غير از آنچه كه در جست وجوي آن بوده اند برخورد کرده و آن را ضميمه پرونده ساخته، بايد در اين خصوص دقت بيشتري صورت گيرد و محدوديت هاي ديگري اعمال شود. نکته كليدي ديگر در خصوص اين لايحه، نحوه اجرائي آن است. قانونگذار جدا از بررسي اين لايحه بايد به سازوکارهاي اجرائي اين لايحه نيز پردازد و تعيين کند كه براي اجرائي چنين طرحي، قوه قضائيه نيازمند چه ملزومات و ابزارهاي است.

ضابطين قضايي براي حفاظت از حريم خصوصي نيازمند چه آموزش هاي مجددی هستند؟

³ پروين بختيارنژاد، روزنامه شرق

آخر آنکه در نظام های حقوقی دنیا حریم خصوصی با این تعریف مطرح شده که حقوق فردی سبب مزاحمت برای دیگران نشود. حال در نظام حقوقی ما نیز مرز بین حقوق فرد و جمع، طبق فرهنگ و مطالبات جامعه نیز باید به روشنی تعریف و حدود و ثغور آن مشخص شود.

رد لایحه حمایت از حریم خصوصی⁴

لایحه حمایت از حریم خصوصی افراد که توسط **محمد خاتمی** ارائه شده بود در مجلس هفتم شورای اسلامی رد شد. بنا بر این لایحه، تجاوز به حریم خصوصی افراد با مجازاتهای حبس، جریمه نقدی و انفصال از خدمات دولتی همراه بود. **محمد سیف زاده**، حقوقدان، در مصاحبه با **راديو فردا** می گوید قوانین امروز ایران نیز با چنین اقدامی سازگار نیست و رئیس جمهوری سابق قصد داشت تاکید بیشتری بر این قوانین که در قانون اساسی و قانون مجازات کیفری وجود دارد کند ولی در کمیسیون غیرتخصصی صنایع و معادن رد شد. **عبدالکریم لاهیجی** حقوقدان و نایب رئیس فدراسیون جوامع حقوق بشر می گوید به دلیل آن که قوه مجریه در کشورهای غیردموکراتیک منتخب رای آزاد مردم نیست و قوه قضائیه نیز استقلال ندارد، وضعیتی مشابه وضعیت ایران پیش می آید. این در حالیست که مراجع تقلید نیز هر گونه تجسس در حریم خصوصی افراد را جایز ندانستند.

لایحه حمایت از حریم خصوصی افراد در مجلس شورای اسلامی رد شد. این لایحه توسط **محمد خاتمی** در زمان ریاستش بر دولت به مجلس ارائه شده بود و در آن جزئیاتی از حریم خصوصی افراد ذکر شده بود.

کیوان حسینی (راديو فردا): در لایحه ای که محمد خاتمی رئیس جمهوری سابق در آخرین روز ریاستش بر دولت به مجلس ارائه کرد، در هفت فصل و هشتاد و سه ماده حریم خصوصی افراد تعریف شده بود. بنا بر این لایحه، تجاوز به حریم خصوصی افراد نیز با مجازاتهای حبس، جریمه نقدی و انفصال از خدمات دولتی همراه بود. بعد از رد این لایحه در مجلس هفتم، خبرگزاری ایسنا سئوالاتی در این زمینه را برای مراجع تقلید شیعیان فرستاد. **آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله بهجت و آیت الله صافی گلپایگانی و آیت الله مظاهری** هر گونه تجسس در حریم خصوصی افراد را جایز ندانستند. **محمد سیف زاده**، حقوقدان، نیز یادآوری می کند که در کنار منع شرعی ورود به حریم خصوصی افراد، قوانین امروز ایران نیز با چنین اقدامی سازگار نیست.

⁴ http://www.if-id.de/ifidsite/interview/Oktober/Harime_Khoosoosi_radiofarda.php

محمد سیف زاده: آن لایحه‌ای که در دولت آقای خاتمی داده شده بود، متکی به چند اصل قانون اساسی بود. اما قانون آیین دادرسی کیفری نیز، ماده 96، تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد. بنابراین آقای خاتمی قصد داشتند با توجه به تعرضاتی که به دامنه این حقوق می‌شد، این را به صورت یک مجموعه درآورند که تاکید بیشتری بر آن بشود که متأسفانه در مجلس هفتم در یک کمیسیون غیرتخصصی مورد بررسی قرار گرفت به حسب اطلاع، رد شد.

ک. ح: اما نه تنها لایحه حفظ حریم خصوصی افراد، چه در منزل و محل کار و چه در ارتباطات نامه و مکالمات تلفنی در مجلس شورای اسلامی رد شد، بلکه هر روز انتقاداتی از ورود بازرسان به حریم خصوصی افراد شنیده می‌شود. در این میان بازرسان هرآنچه که در منزل افراد طبق قانون مجازات اسلامی جزم محسوب می‌شود را جمعآوری می‌کنند و به جرایم شخص افزوده می‌شود. محاکمه روزنامه‌نگاران به جرم استفاده از گیرنده ماهواره، یا شرکت در عروسی یا میهمانیها نمونه‌هایی از این دست هستند. **عبدالکریم لاهیجی** حقوقدان ساکن پاریس و نایب رئیس فدراسیونهای جهانی مدافع حقوق بشر، این عمل را خلاف قوانین بسیاری از کشورهای مدرن و دموکراتیک می‌داند.

عبدالکریم لاهیجی: اگر پاسداران جمهوری اسلامی، ماموران دولتی بدون اجازه وارد خانه کسی شدند، نه فقط حق ندارند دست به اسناد و مدارک آن شخص بزنند، نه تنها اگر اسناد و مدارکی که به دست آوردند، این اسناد و مدارک در هیچ دادگاهی بر ضد او شخص مورد استفاده قرار بگیرد، حتی اگر وسیله جرم باشد. حتی اگر اسلحه غیرمجاز باشد، در نظامهای قضایی آزاد.

ک. ح: به گفته آقای سیف زاده قوانین فعلی ایران نیز به آنچه که آقای لاهیجی گفت کاملاً شبیه است. طبق همین قوانین اگر ماموری در بازرسی از منزل شخصی به مسائل بی ارتباط با پرونده بپردازد، جرم مرتکب شده است.

محمد سیف زاده: بله این تخلف است، در قانون احترام به حقوق شهروندی هم صراحتاً منع شده و کیفرخواستهایی هم علیه بعضی از قضات متخلف که دنبال جرم دیگری به منزل مردم رفتند و در آنجا چون پیدا نکردند، جرائم دیگری برای مردم ساختند و به حریم خصوصی مردم تجاوز کردند، از طرف دادسرای انتظامی قضات صادر شده است.

ک. ح: اما به رغم این که گفته حقوقدانان قوانین جمهوری اسلامی از نظر محتوای قوانین در این باره نقایص اندکی دارد، رئیس جمهوری سابق در تلاش بود تا بار دیگر قوانینی در این باب تصویب کند، قوانینی که چه بسا تفاوتهایی با قوانین فعلی ندارند، موضوعی که در نگاه آقای لاهیجی شاهدهی است بر اثر بودن اقداماتی از این دست.

عبدالکریم لاهیجی: قانون را باید قوه مجریه اجرا بکند، قوه قضائیه باید تضمین بکند. در این کشورها قوه مجریه قانون را اجرا نمی‌کند برای این که خود قوه مجریه منتخب رای آزاد مردم نیست و وقتی قوه قضائیه مستقل نیست، همان وضعیتی است

که ما در ایران می‌بینیم. جمهوری اسلامی هم با توجه به این که هرگز نخواستہ خودش را قانونمند بکند، بنابراین از تصویب این قوانین نتیجه‌ای نخواهد گرفت. چنانکه در طی این 25 سال گذشته نتیجه نگرفتند.

ک. ح: اما همین قوانین که از نظر آقای لاهیجی بی‌نتیجه خوانده شد نیز در دایره تحمل محافظه کاران مجلس قرار نگرفت. آنها لایحه حفظ حریم خصوصی را در کمیسیون صنایع و معادن در حالی رد کردند که دولت محافظه کار محمود احمدی نژاد نیز پیش از این از آنها خواسته بود لایحه را به آنها برگردانند.

رد این لایحه را شاید بتوان آخرین شکست محمد خاتمی در راهی خواند که خود نام اصلاحات را بر آن برگزیده بود.

تهیه شده توسط :

انجمن حقوقی آذ یاسا

www.azyasa.wordpress.com

azyasa@gmail.com

(استفاده از مطالب با ذکر منبع – آذ یاسا – مجاز می باشد)

